

گستره بهره‌گیری فقهای شیعه از سیره معصوم

دکتر مهدی مردانی گلستانی

استادیار پژوهشکده علوم اسلامی رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ایران

mahdi_mardani@islamic-rf.ir

چکیده

سیره معصوم یکی از منابع معتبر دینی است که نقشی کلیدی در تبیین آموزه‌های شیعی دارد. یکی از عرصه‌های کارایی این منبع، استنباط احکام فقهی است؛ ازاین‌رو فقهای شیعه به سیره معصوم به‌عنوان ابزاری برای فهم و استخراج احکام شرعی توجه داشته‌اند. با این حال، آنچه همچنان محل پرسش است، گستره بهره‌گیری فقها از این منبع است. پژوهش پیش‌رو تلاش دارد تا به روش مطالعه مروری و با بررسی بسامد واژگان سیره در متون فقهی، میزان استفاده فقهای شیعه از این منبع را روشن سازد. بدین منظور، با استفاده از نرم‌افزار جامع فقه اهل‌بیت و با جستجوی کلیدواژه‌های «سیره» و «فعل» در بین کتب فقه استدلالی، آثار فقهی قرون پنجم تا پانزدهم هجری را مورد بررسی قرار داد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بهره‌گیری از سیره معصوم در میان فقهای شیعه دو دوره متمایز داشته است: یکی، استفاده اندک و محدود طی قرون پنجم تا دوازدهم هجری و دیگری، بهره‌برداری چشمگیر و گسترده در قرون سیزدهم تا پانزدهم هجری.

واژگان کلیدی: سیره پژوهی، سیره معصوم، فقه شیعه، رویکرد فقها، منابع استنباط.

مقدمه

سیره معصوم (ع) به عنوان یکی از منابع معتبر دینی، نقش بنیادینی در تبیین آموزه‌های دینی ایفا می‌کند. یکی از عرصه‌های مهم کارایی سیره معصوم، حوزه شناخت احکام شرعی است. از این رو، فقهای شیعه در فرایند استنباط آموزه‌های فقهی به سیره معصوم (ع) استناد کرده و بر پایه آن استدلال نموده‌اند. با این حال، آنچه تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته، میزان و گستره بهره‌گیری فقها از این منبع دینی است. به عبارتی، این پرسش مطرح است که آیا فقهای شیعه به صورت محدود و گزینشی از سیره بهره برده‌اند (رویکرد حداقلی) یا آن‌که از آن به گونه‌ای گسترده و مبسوط استفاده کرده‌اند (رویکرد حداکثری)؟

مقاله حاضر درصدد است با روش مطالعه مروری و تحلیل بسامد واژگان سیره^۱ میزان بهره‌گیری فقهای شیعه از سیره معصوم (ع) را روشن سازد. بدین منظور، با جست‌وجوی کلیدواژه‌های «سیره» و «فعل» در کتب فقه استدلالی موجود در نرم‌افزار جامع فقه اهل بیت (ع)، تعداد ۸۴ عنوان کتاب فقهی به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردید و بر پایه مجموعه‌ای از پرسش‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت.

با در نظر گرفتن مسئله، دامنه و روش تحقیق، اثر جامع و مستقلی در این باره به دست نیامد؛ تنها در برخی آثار منتشره، نمونه‌هایی از تعامل فقها با سیره معصوم ارائه گردید؛ چنانکه منصور داداش‌نژاد و مرضیه سادات هاشمی در مقاله «بازکاوی روش فقهی محقق حلی در استناد به سیره رسول خدا» ضمن بررسی استنادات محقق حلی به سیره نبوی، روش فقاهتی وی در استنباط از سیره را ارزیابی کرده‌اند و جمعی از دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی مشهد (راضیه امینی، فتاح فتاحی و انانی، مصطفی بیگدلی و مهران خادم)، در رساله خود با عنوان «تحلیل رویکرد عملی فقیهان امامیه در مواجهه با سنت فعلی» به بررسی آرای فقهای شیعه در ابواب مختلف فقهی پرداخته‌اند. همچنین منصور داداش‌نژاد و فاطمه کرمی در مقاله «درآمدی بر روش‌شناسی کلینی در استناد به سیره پیامبر (ص) با تکیه بر بخش مولد النبی کتاب کافی» و نیز محمد عالم زاده نوری در کتاب استنباط حکم اخلاقی از سیره و عمل معصوم، ظرفیت‌ها و کاستی‌های رفتار معصومان در استنباط احکام دینی را کاویده‌اند؛ لیکن هیچ یک از آثار یادشده به تبیین استنادات

۱. منظور از واژگان سیره، کلماتی است که مفهوم سیره معصوم (فعل مستمر روشمند) را افاده کند؛ اعم از لفظ «سیره» یا دیگر واژه‌های مرتبط مانند «فعل». بنابراین آن دسته از مصادیقی که بدون التزام به واژگان، به سیره معصوم اشاره دارد از قلمرو این تحقیق بیرون است.

فقها به سیره معصوم نپرداخته و بسامد و گستره آن را بررسی نکرده است.

۱. چارچوب نظری

بررسی بهره‌گیری فقهای شیعه از سیره معصوم، نیازمند تعریف چارچوبی نظری است که معلوم شود استفاده فقهای شیعه از سیره معصوم، چگونه استخراج گردید، در چه محدوده‌ای مطالعه شد و بر پایه چه پرسش‌هایی مورد کاوش قرار گرفت. برای این منظور، مهم‌ترین پرسش‌های تحقیق بر اساس پنج محور الفاظ، افراد، ادوار، ابواب و آثار، تعریف و به شرح زیر تنظیم گردید.

۱-۱. پرسش‌ها

الفاظ و واژه‌ها: (۱) استناد به سیره با چه واژگانی صورت گرفته است؟ (۲) بسامد واژگان منتخب در متون فقهی چقدر بوده است؟ (۳) چه نتایجی از دامنه بررسی خارج گردید؟
افراد و فقها: (۱) چند نفر به سیره استناد کرده‌اند؟ (۲) افراد شاخص به‌جهت جایگاهشان در فقه شیعه چه کسانی هستند؟ (۳) افراد شاخص به‌جهت شمار استناد به سیره چه کسانی هستند؟
ادوار تاریخی: (۱) در چه دوره‌هایی به سیره استناد شده است؟ (۲) این دوره‌های به‌جهت زمانی چه دسته‌بندی دارد؟ (۳) چه دوره‌ای رونق و چه دوره‌ای رکود داشته است؟
ابواب فقهی: استفاده از سیره در کدامیک از ابواب فقهی بوده است؟ (۲) در کدام باب بیشتر و در کدام باب کمتر بوده است؟
آثار و کتاب‌ها: (۱) در کدامیک از آثار فقهی به سیره استناد شده است؟ (۲) در چه تعداد از کتب فقهی استناد شده است؟ (۳) آثار شاخص چه بوده است؟

۲-۱. واژگان

با توجه به حجم گسترده کتب فقهی شیعه، بررسی تک‌تک این منابع برای یافتن موارد استفاده فقها از سیره معصوم عملی نیست. بنابراین، با استفاده از فهرستی از کلیدواژه‌های مرتبط، موارد کاربرد واژگان سیره در متون فقهی شیعه شناسایی و استخراج شد. در این فرایند، دو واژه «سیره» و «فعل» به‌عنوان اصلی‌ترین واژگان سیره انتخاب گردید و با توجه به ترکیب آنها با القاب معصومان و نیز پسوندها و پیشوندهای رایج، مورد جستجو قرار گرفت؛ برای نمونه، کلیدواژه‌های «فعل» و «سیره» به‌صورت ترکیب منفصل با کلمات «الإمام،

الأئمة، المعصوم، اهل البيت، المعصومين، اميرالمومنين، رسول الله، الرسول، النبي و النبويه» بررسی شد و واژه‌های «بسیره»، «سیره»، «سیرتهم»، «السیره»، «بالسیره»، و نیز کلمات «لفعل»، «فعله»، «کذا فعل»، «عمل» به صورت مستقل جستجو گردید. با این همه، بسیاری از استعمالات واژگان سیره، به دلیل ناسازگاری با اهداف تحقیق، در ردیف نتایج جستجو قرار نگرفت و از گردونه بررسی خارج شد.^۲

۱-۳-۳. مفاهیم

یکی از عناصر مؤثر در تحلیل بهره‌گیری فقهای شیعه از سیره معصوم، مفاهیم کلیدی تحقیق است. در این میان، دو واژه «سیره» و «فعل» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که لازم است با تکیه بر استعمالات آنها در متون فقهی شیعه مورد بررسی و تبیین قرار گیرد.

۱-۳-۱. سیره

یکی از سطوح بررسی مفهوم سیره، کاربست سیره در «عناوین فقهی» است. چه، عناوینی که صاحبان آثار برای ابواب کتاب‌های خود بر می‌گزینند، حاوی داده‌ها و اطلاعات ارزشمندی است که در ابعاد مختلف متن‌شناسی از جمله مفهوم‌شناسی به کار می‌آید. برای مثال، سید مرتضی (۴۳۶ ق) برای نمایاندن مضمون فصلی که به بیان سلوک عملی حج می‌پردازد، از واژه سیره استفاده کرده و آن را «فصل فی سیره الحج و ترتیب أفعاله» نامیده است.^۳ ابوالصلاح حلبی (۴۴۷ ق) در بیان طریقه جهاد کردن از عنوان سیره استفاده کرده و بخشی از کتاب خود را با عبارت «فصل فی سیره الجهاد» نام نهاده است.^۴ شیخ طوسی (۴۶۰ ق) نام بعضی از فصول آثار فقهی خود را «کتاب الجهاد و سیره الإمام» گذاشته و به بیان وظایف شرعی امام معصوم در هنگامه جهاد پرداخته است^۵ و قطب راوندی (۵۷۳ ق) یکی از ابواب کتاب

۲. چنان‌که برخی از واژگان مرتبط مانند «سیرتهما، بسیرتهم، بسیرته، فالسیره» نتایج قابل توجهی به همراه نداشتند و برخی دیگر از واژگان نیز با مفهوم مورد نظر از «سیره» همخوان نبودند؛ مانند مواردی که «سیره» به معنای سیره عقلاء یا سیره متشرعه بود و یا در ترکیب غیرمرتبط مانند «سیره الجهنی» و «الرابع بن سیره» قرار گرفت.

۳. سید مرتضی، جمل العلم والعمل، ۱۰۷.

۴. حلبی، الکافی فی الفقه، ۲۴۷.

۵. شیخ طوسی، المبسوط فی فقه الإمامیه، ۲/۲.

الجهاد را «باب حکم المحاربين و السيرة فيهم» نام‌گذاری کرده است.^۶

کاربست سیره در «متون فقهی»، سطح دیگری از بررسی مفهوم سیره است. در این خصوص، مطالعه مصادیق مورد استناد فقها، شیوه‌ای است که اطلاعات مفهوم شناسانه مهمی را در اختیار قرار می‌دهد؛ این مصادیق اگرچه به صورت مستقیم در کتب فقهی نیامده است اما پی‌جویی آنها در منابع کهن تا حدودی مقصود فقها از مفهوم سیره را نشان می‌دهد. برای مثال، محقق حلی (۶۷۶ ق) برای تعریف انفال و تعیین قلمرو آن، به سیره پیامبر (ص) استناد کرده است.^۷ پی‌جویی روایت موردنظر در منابع فقهی و روایی شیعه نشان می‌دهد که منظور ایشان از سیره، فعل مستمر حضرت در اخذ غنائم فاخر و برگزیده بوده است.^۸ همچنین، علامه حلی (۷۲۶ ق) در مسئله عدم جواز اخذ غنیمت از اموال اهل بغی به سیره امیرالمؤمنین (ع) استناد کرده است.^۹ بررسی مصداق موردنظر از سیره حضرت نشان می‌دهد که منظور علامه حلی از سیره، سبک رفتاری امیرالمؤمنین (ع) در مواجهه با اصحاب جمل بوده است.^{۱۰}

نمونه سوم، فتوای محدث بحرانی در مسئله کیفیت تقسیم شب‌خوابی بین همسران است؛ وی با استناد به سیره پیامبر (ص) کمترین مقدار خوابیدن نزد همسر را یک شب دانسته است.^{۱۱} مطالعه مصداق موردنظر نشان می‌دهد که منظور ایشان از سیره، رفتار مستمر پیامبر (ص) در تقسیم شب‌خوابی بین همسران بوده است.^{۱۲} نمونه آخر، دیدگاه صاحب جواهر در خصوص جواز جداسازی زکات از اموال مردم است. ایشان با استناد به سیره پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) قائل به جواز جداسازی اموال توسط مالک شده است.^{۱۳} مطالعه مصداق موردنظر حکایت از آن دارد که منظور از سیره، رفتار مستمر پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع)

۶. راوندی، فقه القرآن، ۳۶۵/۱.

۷. محقق حلی، المعتمد فی شرح المختصر، ۶۳۳/۲.

۸. حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۵۱۰/۹.

۹. علامه حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ۲۰۴/۱۵.

۱۰. علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ۴۲۴/۹.

۱۱. محدث بحرانی، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ۵۹۳/۲۴.

۱۲. محدث بحرانی، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ۱۰۹/۲۳.

۱۳. نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۱۶/۱۵.

در ارسال کارگزاران منصوب از طرف ایشان بوده است.^{۱۴}

از این رو، با توجه به مصادیق کاربردی واژه سیره در متون فقهی شیعه چنین به دست می‌آید که واژه «سیره» در ادبیات فقهی شیعه بر سه ویژگی «فعل»، «استمرار» و «تشریع» تکیه دارد و به معنای رفتار مستمری است که در حوزه تشریع صادر شده باشد.

۱-۳-۲. فعل

واژه «فعل» در لغت، اسم مصدر از «انجام دادن»، و به معنای عمل، کار و کردار است^{۱۵} و در اصطلاح، به حسب دانش‌هایی که در آن استعمال شده، معانی متفاوتی دارد. اما تعاریف ارائه شده در انعکاس حقیقت فعل معصوم (ع) موفق نبوده و همه ابعاد معنایی آن را روشن نمی‌سازد، زیرا فعل معصوم (ع) گاه مستقیماً و به منظور القای یک پیام دینی صادر می‌شود (کنش)، و گاه در مواجهه با موقعیتی بیرونی انجام می‌پذیرد (واکنش)؛ گاه به شکل ایجاد و انجام فعل رخ می‌دهد (انجام) و گاه به شکل امساک و وا گذاشتن فعل ظهور دارد (ترک). در حقیقت فعل معصوم (ع) گونه‌های مختلفی دارد که با تنقیح و تبیین دقیق آن، می‌توان تنوع و فراوانی آن را روشن ساخت و تفاوت آن را با دیگر گونه‌های سنت (یعنی قول و تقریر) مشخص نمود. از این رو، با مطالعه گزاره‌های رفتاری معصوم (ع) و در یک تعریف قراردادی می‌توان چنین گفت که فعل هر گونه کنش و واکنش غیر قولی است که در مواجهه با وقایع جاری زمان ظهور پیدا می‌کند؛ خواه ایجاد باشد یا امتناعی، مستمر باشد یا مقطعی.^{۱۶} بر پایه این معنا، فعل معصوم (ع) با سیره ایشان متفاوت است و به جهت خصوصیات ماهوی با یکدیگر فرق دارند. «سیره» به آن دسته از افعال معصوم (ع) اطلاق می‌شود که استمرار داشته، نشان‌دهنده روش معصوم (ع) باشد، به خلاف فعل که اعم از سیره است و می‌تواند مستمر و روشمند و یا فاقد روش و استمرار باشد.

۱-۴. قلمرو

یکی از مسائل مهم درباره بهره‌گیری فقها از سیره معصوم، قلمرو کاربرست سیره در فقه شیعه است؛ یعنی

۱۴. محدث بحرانی، الحداثی الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ۲۲۲/۱۲.

۱۵. فیومی، مصباح المنیر، ۴۷۸/۲؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۵۱۱/۴.

۱۶. مردانی گلستانی، توسعه استنباط از فعل معصوم، ۲۷.

فقه‌های شیعه در چه مباحثی به سیره معصوم استناد کرده‌اند و کدامیک از موضوعات فقهی از بسامد و فراوانی بیشتری برخوردار است؟ پاسخ به این دو پرسش، قلمرو بهره‌گیری فقها از سیره را روشن می‌سازد و محدوده تأثیرگذاری سیره معصوم در فقه شیعه را نشان می‌دهد. از این رو، می‌توان گفت که سیره معصوم در اکثر ابواب فقهی کارایی داشته و به تبیین احکام شرعی یاری رسانده است؛ چنان‌که بر اساس مطالعه انجام شده، فقه‌های شیعه در ۲۰ موضوع کلان و ۱۰۰ موضوع خرد از سیره معصوم بهره گرفته‌اند که از این میان، سه موضوع «صلاة»، «طهارة» و «تجارة» به ترتیب بیشترین فراوانی را در میان موضوعات فقهی داشته‌اند. شایان ذکر است که منظور از «موضوعات کلان» عناوین اصلی مانند طهارت، نماز، زکات، جهاد، حج و غیره است و مقصود از «موضوعات خرد» عناوین فرعی و ریز موضوعاتی است که در ذیل هر یک از عناوین اصلی قرار می‌گیرد. برای مثال مبحث نماز شامل مواردی چون: «امامت نماز جمعه»، «تعداد نوافل یومیه»، «جهر در قرائت نماز جمعه»، «موارد ترک اذان نماز» و «وقت فضیلت نماز عصر» می‌شود.

۱-۵. منابع

تبیین بهره‌گیری فقها از سیره معصوم، نیازمند استفاده از منابع و کتاب‌هایی است که داده‌های مرتبط را در اختیار قرار دهد و نحوه مواجهه فقه‌های شیعه با سیره معصوم را نشان دهد. برای این منظور از میان جامعه آماری تحقیق، ۸۴ کتاب فقهی انتخاب و بررسی گردید. این تعداد کتاب در بازه زمانی قرن ۵ تا ۱۵ هجری تألیف شده و از شیخ طوسی (۴۶۰ ق) تا آیت الله خویی (۱۴۱۳ ق) را در بر می‌گیرد. بر پایه تتبع صورت گرفته، برخی از کتاب‌های فقهی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و نقش بیشتری در انتقال بهره‌گیری فقها از سیره معصوم داشته‌اند؛ چنان‌که به جهت «قدمت و دیرینگی تألیف»، کتاب‌های *الخلاف* شیخ طوسی (۴۶۰ ق)، *غنیة النزوع* ابن زهره (۵۸۵ ق) و *شرائع الإسلام* محقق حلی (۶۷۶ ق) از مهمترین آنها به شمار می‌رود. همچنین به جهت «فراوانی استناد به سیره»، کتاب‌های *موسوعة الإمام الخوئی*، *مستمسک العروة الوثقی* سید محسن حکیم و *جواهر الکلام* محمدحسن نجفی بیشترین تعداد استناد را در خود جای داده‌اند. از سوی دیگر، به جهت «جایگاه علمی و تأثیرگذاری در فقه شیعه»، کتاب‌های *الحدائق الناضرة* محدث بحرانی (۱۱۸۶ ق)، *غنائم الأیام* میرزای قمی (۱۲۳۱ ق) و *مستند الشیعة* احمد نراقی

(۱۲۴۵ق) جزو مهمترین کتاب‌های فقهی شیعه هستند.

شایان ذکر است که کتاب‌های فقهی شیعه، سبک‌های مختلفی دارند که به اقتضای زمان و دوره‌های مختلف تألیف شده‌اند. آنچه در این تحقیق مورد نظر بوده است، کتاب‌هایی است که از سیره معصوم در مسیر استنباط آموزه‌های فقهی استفاده کرده‌اند و در واقع، نقش سیره معصوم به‌عنوان منبع تشريع را نشان داده‌اند. در این راستا، کتاب‌هایی که موضوع آنها «فقه استدلالی» است بیشترین کاربرد را در این زمینه داشته‌اند. چه، فقه استدلالی روشی برای بیان احکام شرعی است که در آن فتوا به همراه دلایل آن ارائه می‌شود. در این روش فقیه نظریات مختلف را درباره یک مسئله خاص نقل و نقد کرده و فتوای خود را با ذکر دلایل آن تبیین می‌کند.

۲. تطوّر تاریخی

بهره‌گیری فقهی از سیره معصوم، فرایند ثابت و یکسانی ندارد و بسته به دوره‌های مختلف از تطوّر تاریخی برخوردار است. از این رو برای تبیین گستره بهره‌گیری فقهای شیعه از سیره معصوم، می‌بایست ادوار فقاہت شیعه را در نظر گرفت و با بررسی موارد کاربست واژگان سیره، چگونگی مواجهه فقها با این منبع فقهی را تحلیل کرد. براین اساس باید افزود که بهره‌گیری فقهای شیعه از سیره معصوم، دو دوره متفاوت را تجربه کرده است: یکی سده ۵ تا ۱۲ هجری و دیگری سده ۱۳ تا ۱۵ هجری. دوره نخست، بر استفاده محدود از سیره معصوم تأکید دارد، در حالی که دوره دوم، از سیره به طور گسترده‌تر بهره‌برداری می‌کند. البته دآوری درباره حداقلی یا حداکثری بودن بهره‌گیری فقها از سیره معصوم نیازمند معیاری است که این فراز و فرود تاریخی را نشان دهد. برای این منظور «شمار فقهای شیعه» و «دفعات استناد به سیره» دو شاخصی است که در ارزیابی سیر تاریخی استفاده از سیره مورد توجه قرار گرفت و در سنجش میزان بهره‌گیری فقها از سیره به کار گرفته شد.

۲-۱. رویکرد حداقلی

نخستین دوره از بهره‌گیری فقهی از سیره معصوم، با کاهش اقبال فقهای شیعه مواجه می‌گردد و استفاده فقهی از سیره به‌صورت حداقلی انجام می‌شود. گواه این وضعیت، شمار اندک فقها و دامنه محدود استناداتی است که در این دوره تاریخی به سیره معصوم صورت می‌گیرد. چه، بر اساس مطالعه انجام شده، تعداد فقهای که

در سده‌های ۵ تا ۱۲ هجری از سیره معصوم بهره گرفته‌اند بسیار کمتر از شمار فقهای شیعه در سده‌های بعدی بوده است و شمار استناداتی که در این دوره به سیره معصوم انجام شده، بسیار کمتر از تعداد استناداتی است که در سده‌های پسین صورت گرفته است؛ چنان‌که از مجموع ۷۰ فقهی که از سیره معصوم استفاده کرده‌اند، تنها ۲۲ نفر در این دوره حضور داشته‌اند و از مجموع ۲۳۰ مرتبه استنادی که به سیره معصوم صورت گرفته، ۸۴ مرتبه آن در این دوره اتفاق افتاده است. دلیل این امر را می‌توان عدم تبیین نظری نقش سیره در فرآیند استنباط، کم‌توجهی به ابعاد رفتاری معصومان در سنت فقهی رایج، و نیز دسترسی محدود به منابع حاوی گزاره‌های سیره معصومان دانست. علاوه بر آنکه گرایش غالب فقیهان شیعه در این دوره، احتیاط در بهره‌گیری از افعال معصومان به دلیل ابهام در حجیت و دشواری فهم آن‌هاست. از این‌رو، اگرهم سیره مورد توجه قرار می‌گیرد، بیشتر در مقام مؤید و قرینه، و نه به‌عنوان دلیل مستقل فقهی است.

۲-۱-۱. قرن پنجم و ششم هجری

استنباط از سیره معصوم در قرون آغازین فعالیت فقهای شیعه، جایگاه پررنگی ندارد و فقهایی مانند ابوالصلاح حلبی (۴۴۷ ق)، شیخ مفید (۴۱۳ ق)، قطب‌الدین راوندی (۵۷۰ ق) و ابن ادریس حلی (۵۹۸ ق) عملاً اهتمام چندانی به بهره‌گیری فقهی از سیره معصوم نشان نمی‌دهند. تنها ابن زهره (۵۸۵ ق) در یک مورد و شیخ طوسی (۴۶۰ ق) در ده مورد از افعال معصومان برای استنباط آموزه‌های فقهی بهره برده‌اند. برای نمونه، شیخ طوسی در مسئله کیفیت طواف، با استناد به فعل رسول خدا بر لزوم آغاز و انجام طواف از حجر الاسود استدلال می‌کند^{۱۷} و ابن زهره در مسئله وقوف در مشعر، فعل رسول خدا را به‌عنوان یکی از ادله آن معرفی می‌کند.^{۱۸} این وضعیت را می‌توان ناشی از عواملی چند دانست که: فقدان چارچوب نظری منقح برای تبیین فقهی سیره معصومان، ابهام در حجیت سیره به عنوان منبع مستقل یا مکمل، و نیز چالش‌های معرفت‌شناختی در تمییز ابعاد فقهی از جنبه‌های شخصی رفتار معصومان، از آن جمله است.

۱۷. شیخ طوسی، الخلاف، ۳۲۶/۲.

۱۸. ابن زهره، غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، ۱۸۴.

۲-۱-۲. قرن هفتم هجری

بهره‌گیری فقهای شیعه از سیره معصوم در قرن هفتم هجری رونق می‌گیرد. محقق حلی (۶۷۶ ق) در دو کتاب *شرائع الإسلام والمعتبر فی شرح المختصر بالغ* بر یازده مرتبه به سیره معصوم استناد می‌کند و فاضل آبی (۶۷۲ ق) در کتاب *کشف الرموز* سیره رسول خدا را به عنوان یکی از ادله استنباط می‌شمارد. بدین سان، چندان تصادفی نیست که نخستین پژوهش‌های فقهی درباره سیره معصوم، به دست کسانی پدید آید که به بازسازی نظام استنباط فقهی بر پایه مبانی و منابع استنباط دلمشغول بودند. اینان دریافته بودند که پس از قرآن، «سیره» در کنار سنت یکی از منابع مهم شناخت احکام شرعی است. این امر آنان را به تحقیق درباره حجیت و کارکرد فقهی سیره کشاند و در این راستا، به مراجعه به عملکرد و الگوی رفتاری معصومان واداشت.

برای نمونه، محقق حلی در موضوع «تصرف در اموال اهل بغی» به سیره امیرالمؤمنین استناد می‌کند. او در این بحث، از سیره امام علی (ع) برای تقویت نظریه جواز تصرف در اموال شورشیان که در دست لشکر قرار گرفته، استفاده کرده و آن را دیدگاه «أظهر» معرفی می‌کند.^{۱۹} همچنین فاضل آبی (۶۷۲ ق) در بحث کیفیت نماز خوف، به رفتار رسول خدا استناد می‌کند. او در مقام تأیید جواز یکی از شیوه‌های نماز خوف، رفتار عملی پیامبر را حجت قرار می‌دهد و آن را شاهد بر مشروعیت این شیوه می‌داند.^{۲۰}

۲-۱-۳. قرن هشتم هجری

در این سده، چند تن از فقهای نامور شیعه، از سیره معصوم برای استنباط آموزه‌های فقهی بهره می‌گیرند؛ چنانکه علامه حلی (۷۲۶ ق) در دو کتاب *منتهی المطلب و تذکرة الفقهاء*، ۱۶ مرتبه به سیره معصوم استناد می‌کند، فخر المحققین (۷۷۱ ق) در کتاب *ایضاح الفوائد* در یک مرتبه به استفاده فقهی از سیره می‌پردازد و شهید اول (۷۸۶ ق) هشت مرتبه در کتاب *الدروس الشرعیة* از سیره معصوم بهره می‌گیرد. این فقیهان نقش بسزایی در تثبیت بهره‌گیری فقهی از سیره داشتند و زمینه را برای پذیرش گسترده‌تر آن در میان فقهای پس از خود فراهم ساختند. ایشان نشان دادند که سیره معصوم می‌تواند مبنای استنباط احکام شرعی قرار

۱۹. محقق حلی، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*، ۳۰۸/۱.

۲۰. فاضل آبی، *کشف الرموز فی شرح مختصر النافع*، ۲۱۹/۱.

گیرد و به عنوان یکی از منابع معتبر در فرآیند اجتهاد مورد استناد قرار گیرد.

برای نمونه، علامه حلی در بحث «تصرّف در اموال اهل بغی» برای اثبات حرمت تصرف در اموال شورشیان به سیره امام علی (ع) استناد می‌کند. او با این استدلال که امام علی (ع) در جنگ‌های خود با شورشیان مسلمان (مانند جنگ جمل) اموال آنان را غنیمت نگرفت و اجازه تقسیم آن‌ها را نداد، به عدم جواز تصرّف در اموال ایشان فتوا می‌دهد.^{۲۱} همچنین، شهید اول در موضوع تصرّف در اموال اهل بغی به سیره امام علی (ع) در جنگ جمل و نحوه برخورد ایشان با اهل بصره استناد می‌کند و حرمت تصرّف در اموال شورشیان را استفاده می‌کند. وی چنین نتیجه می‌گیرد که اموال باغیان نباید تقسیم شود، زیرا این اقدام برخلاف رویه امام علی (ع) در جنگ جمل بوده و با موازین اسلامی مطابقت ندارد.^{۲۲}

۲-۱-۴. قرن نهم هجری

علی‌رغم رواج رویکرد فقهی به سیره در سده‌های پیشین، فقهای شیعه در قرن نهم مانند فاضل مقداد (۸۲۶ ق)، ابن فهد حلی (۸۴۱ ق) و ابن ابی‌جمهور احسانی (زنده در ۹۰۴ ق)، اهتمام چندانی بدین موضوع نشان ندادند و از سیره معصوم برای استنباط احکام شرعی بهره نگرفتند. عامل اصلی این امر را می‌توان کاهش شمار فقها و آثار فقه استدلالی و ضعف نهادهای آموزشی و علمی در این دوره دانست.

۲-۱-۵. قرن دهم هجری

پس از آنکه فقهای شیعه در قرن نهم هجری از استناد به سیره معصوم دور ماندند، در قرن دهم هجری سه فقیه برجسته شیعه بار دیگر به بهره‌گیری از سیره روی آوردند. چنان‌که محقق کرکی (۹۴۰ ق) پنج مرتبه در کتاب *جامع المقاصد*، محقق اردبیلی (۹۹۳ ق) سه مرتبه در کتاب *مجمع الفائدة* و شهید ثانی (۹۶۶ ق) شش مرتبه در کتاب‌هایی همچون *مسالك الأفهام*، *الروضة البهية*، و *صلاة الجمعة* با استناد به سیره معصومان به استنباط آموزه‌های فقهی پرداختند. این فقیهان با احیای نقش سیره معصوم در تبیین احکام شرعی، در حقیقت راه را برای استمرار بهره‌گیری فقهی از سیره هموار ساختند.

برای نمونه، محقق کرکی درباره حکم استقبال (رو به قبله بودن) در نمازهای مستحب، از رفتار رسول خدا

۲۱. علامه حلی، *منتهی المطلب في تحقيق المذهب*، ۲۰۴/۱۵؛ همو، *تذكرة الفقهاء*، ۴۲۴/۹.

۲۲. شهید اول، *الدروس الشرعية في الفقه الإمامية*، ۳۴/۱۰.

و اهل بیت بهره می‌گیرد و با استناد به اینکه رفتار مستمر ایشان نماز گزاردن رو به قبله بوده است، حکم به وجوب آن می‌کند.^{۲۳} محقق اردبیلی در بحث «مالکیت زمین‌های موات» و در پاسخ به این سؤال که آیا در زمان غیبت، احیای زمین‌های موات (زمین‌های بدون مالک و آبادانی) موجب مالکیت شخص احیاکننده می‌شود یا خیر؟ به سیره اهل بیت (ع) استناد می‌کند و حق مالکیت را می‌پذیرد؛^{۲۴} و شهید ثانی در موضوع «انتصاب فرد فاقد شرایط برای قضاوت»، با استناد به سیره امام علی (ع) در تولیت شریح قاضی به منصب قضا، آن را دلیلی بر جواز نصب قاضی فاقد شرایط می‌شمارد.^{۲۵}

۲-۱-۶. قرن یازدهم هجری

قرن یازدهم هجری شاهد حضور فقهای نامداری همچون سید محمد عاملی معروف به صاحب مدارک (۱۰۰۹ ق)، حسن بن زین‌الدین معروف به صاحب معالم (۱۰۱۱ ق)، محمدتقی مجلسی (۱۰۷۰ ق)، محقق سبزواری (۱۰۹۰ ق) و فیض کاشانی (۱۰۹۱ ق) است. با این حال، بررسی آثار فقهای این دوره نشان می‌دهد که بهره‌گیری از سیره معصومان، نسبت به سده قبل، کم فروغ شده است؛ چنانکه مرحوم عاملی سه مرتبه در کتاب *مدارک الأحکام*، محقق سبزواری یک مرتبه در کتاب *ذخیره المعاد* و فیض کاشانی دو مرتبه در کتاب *مفاتیح الشرایع* به سیره معصوم استناد کرده‌اند.

برای نمونه سید محمد عاملی «لزوم تقدّم خطبه بر نماز جمعه» را دیدگاه مشهور شیعه می‌شمارد و رفتار اهل بیت در این باره را به‌عنوان دلیل ذکر می‌کند؛^{۲۶} محقق سبزواری درباره «لزوم تقدّم امام جماعت بر مأموم» به رفتار رسول خدا استناد می‌کند و آن را شرط صحت نماز جماعت می‌شمارد^{۲۷} و فیض کاشانی با استناد به رفتار رسول خدا، تمکین زوجه را شرط وجوب نفقه معرفی می‌کند.^{۲۸} به نظر می‌رسد بخشی از این وضعیت، ناشی از غلبه نگرش اصولی و عقل‌گرایانه در فرایند استنباط بوده است؛ رویکردی که

۲۳. محقق کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۶۰/۲.

۲۴. اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ۴۸۰/۷.

۲۵. شهید ثانی، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، ۳۶۳/۱۳.

۲۶. عاملی، مدارک الأحکام فی شرح شرائع الإسلام، ۳۷/۴.

۲۷. محقق سبزواری، ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد، ۳۹۴/۲.

۲۸. فیض کاشانی، مفاتیح الشرائع، ۲۹۶/۲.

موجب گردید تا استناد به سیره معصوم، جای خود را به استدلال مبتنی بر اصول و قواعد عقلی دهد. همچنین، توسعه نگارش‌های فقهی در این دوره، توجه فقها را بیشتر به اقوال فقهی پیشینیان، کتب اربعه و منابع روایی معطوف ساخت تا گزارش‌های تاریخی یا شواهد سیره‌ای پراکنده. افزون بر این، فقدان یک نظام روشمند برای اعتبارسنجی متون سیره و نیز تردید در حجیت بسیاری از گزارش‌های تاریخی، از دیگر عوامل کاهنده حضور سیره در نظام فقهی این دوره به شمار می‌آید.

۷-۱-۲. قرن دوازدهم هجری

رکود نسبی سده یازدهم، در قرن دوازدهم هجری نیز ادامه می‌یابد و فقه‌های شیعه در این دوره اقبال چندانی به بهره‌گیری از سیره معصوم نشان نمی‌دهند؛ تنها فاضل هندی (۱۱۳۷ ق) در کتاب *كشف اللثام* و محدث بحرانی (۱۱۸۶ ق) در کتاب‌های *الحدائق الناضرة* و *الأنوار الحیرية* به سیره معصوم استناد می‌کنند. در این میان، نقش محدث بحرانی برجسته‌تر است و او در مسیر استنباط احکام شرعی، بالغ بر هفت مرتبه از سیره معصوم بهره می‌گیرد. عامل این اتفاق را می‌توان در گرایش اخباری محدث بحرانی جست‌وجو کرد؛ چه، محدث بحرانی یکی از چهره‌های برجسته جریان اخباری‌گری در قرن دوازدهم هجری است. از آنجا که اخباری‌ها ارزش فراوانی برای روایات اهل بیت (ع) قائل‌اند و آن را منبعی معتبر برای استنباط احکام شرعی می‌دانند، طبیعی است که بهره‌گیری از سیره معصومان به مثابه رفتار معصومانه در نگاه آنان جایگاه ویژه‌ای یابد.

برای نمونه، محدث بحرانی درباره حکم دریافت زکات توسط امام معصوم یا نائب وی، به سیره رسول خدا و امیر المومنین استناد کرده، قایل به وجوب می‌شود^{۲۹} و یا در باب «آداب رمی جمرات»، با استناد به رفتار رسول خدا، پرتاب یکجای سنگ‌ها را کافی ندانسته، حکم به لزوم پرتاب پراکنده آنها می‌کند.^{۳۰}

۲-۲. رویکرد حداکثری

دومین دوره از بهره‌گیری فقه‌های شیعه از سیره معصوم، با اقبال فزاینده فقه‌های شیعه روبه‌رو می‌شود و استفاده ایشان از سیره معصوم به شکل چشم‌گیری گسترش می‌یابد. نشانه روشن این تغییر، افزایش تعداد فقه‌های

۲۹. محدث بحرانی، *الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة*، ۲۲۳/۱۲.

۳۰. محدث حرانی، *الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة*، ۱۴/۱۷.

شیعه و کثرت استنادات آنان در این دوره تاریخی (یعنی قرن ۱۳ تا ۱۵ هجری) است؛ چنان‌که از میان ۷۰ فقیه‌ی که به سیره معصوم استناد کرده‌اند، ۴۸ نفر آنها متعلق به این دوره است و از مجموع ۲۳۰ مرتبه استنادی به سیره معصوم، ۱۴۶ مورد آن در این مقطع تاریخی رخ داده است. این رخداد را می‌توان معلول اموری همچون رشد و تکامل روش‌شناسی اجتهاد در فقه شیعه، گسترش نهادهای آموزشی همچون حوزه‌های علمیه، افزایش و تنوع موضوعات مستحدثه و نیز گسترش منابع حدیثی و دسترسی آسان‌تر فقها به روایات سیره دانست. علاوه بر آنکه تعمیق مباحث اصولی و رجالی، افزایش نگارش‌های فقه استدلالی، و توسعه شیوه‌های فهم و نقد روایات نیز بر افزایش بهره‌گیری از سیره معصوم تأثیرگذار بوده است. در این دوره، سیره معصوم نه تنها به عنوان شاهی بر فهم بهتر مقصود شارع، بلکه گاه به منزله یکی از منابع استنباط در کنار دیگر ادله اجتهاد مورد توجه فقها قرار می‌گیرد؛ به‌ویژه در موضوعات نوپدید که اتکا به روش‌های معمول کافی نبوده و سیره عملی معصومان می‌تواند افق جدیدی در فهم حکم شرعی بگشاید.

۲-۱. قرن سیزدهم هجری

قرن سیزدهم هجری را می‌توان نقطه عطف بهره‌گیری فقها از سیره دانست؛ چراکه شمار فقهایی که از سیره معصوم بهره گرفتند و تعداد استناداتی که به سیره معصوم انجام شده، رشد فزاینده‌ای داشته است؛ چنان‌که محمدباقر بهبهانی (۱۲۰۶ ق) در کتاب *مصابیح الظلام* دو مرتبه، ملا مهدی نراقی (۱۲۰۹ ق) در کتاب *معتمد الشیعه* سه مرتبه، سید مهدی بحر العلوم (۱۲۱۲ ق) در کتاب *مصابیح الأحکام* دو مرتبه، شیخ جعفر کاشف الغطاء (۱۲۲۸ ق) در کتاب *کشف الغطاء* هشت مرتبه، میرزا ابوالقاسم قمی (۱۲۳۱ ق) در کتاب *غنائم الأیام* پنج مرتبه، ملا احمد نراقی (۱۲۴۵ ق) در *مستند الشیعه* سه مرتبه و محمدحسن نجفی (۱۲۶۶ ق) در کتاب *جواهر الکلام* نه مرتبه به سیره معصوم استناد کرده‌اند. علت این رخداد را می‌توان در گسترش حوزه‌های علمیه و ظهور علمای برجسته‌ای دانست که به طور ویژه به فقه الحدیث و سیره‌نگاری اهتمام ورزیدند و با تدوین آثار روشمند فقهی، زمینه بهره‌گیری بیشتر و دقیق‌تر از سیره معصومان (ع) را در استنباط احکام فراهم کردند.

برای نمونه، سید بحر العلوم در موضوع ملاقات آب چاه با نجاست، با استناد به سیره رسول خدا (ص)،

حکم به طهارت آن داده و کشیدن آب چاه را به عنوان یک عمل مستحب دانسته است؛^{۳۱} شیخ جعفر کاشف الغطاء در پاسخ به این مسئله که آیا امام معصوم می تواند بر اساس علم غیب به داوری پردازد، به سیره ایشان استناد کرده و قایل به عدم اعتبار علم غیب در قضاوت شده است؛^{۳۲} میرزای قمی در باب «مصرف خمس در زمان غیبت» با استناد به سیره معصوم (ع) این نظر را ترجیح می دهد که خمس در زمان غیبت باید برای فقرای بنی هاشم مصرف شود^{۳۳} و محمدحسن نجفی در مورد طهارت مخالفان اهل بیت به سیره رسول خدا و امیرالمومنین استناد کرده و اشاره می کند که اگر نجاست اعتقادی مخالفان صحیح بود، باید پیامبر (ص) و امام علی (ع) از هرگونه تماس، معاشرت و هم زیستی با آنان اجتناب می کردند، اما سیره عملی ایشان نشان می دهد که چنین پرهیزی در کار نبوده است.^{۳۴}

۲-۲-۲. قرن چهاردهم هجری

قرن چهاردهم هجری عصر شکوفایی بهره گیری فقها از سیره معصوم است. در این سده، شمار فقهای شیعه و میزان استنادات ایشان به سیره معصوم به طور چشمگیری افزایش می یابد؛ چنان که آقا رضا همدانی (۱۳۲۲ ق) در کتاب *مصباح الفقیه* پنج مرتبه، سید عبدالحسین لاری (۱۳۴۲ ق) در *التعلیقه علی المکاسب* شش مرتبه، سید حسین بروجردی (۱۳۸۰ ق) در دو کتاب *نهایة التقرير و البدر الزاهر* شش مرتبه، سید محمد محقق داماد (۱۳۸۸ ق) در کتاب *الخمس* و کتاب *الحج* نه مرتبه و سید محسن حکیم (۱۳۹۰) در کتاب *مستمسک العروة الوثقی* نه مرتبه از سیره برای استنباط احکام شرعی استفاده کرده اند. برای نمونه، آقا رضا همدانی در بحث «کیفیت نیت در عبادات» به بررسی این مسئله می پردازد که آیا جزم به نیت در صحت عبادت شرط است یا اینکه می توان عبادت را با نوعی تردید انجام داد؛ در این زمینه، نویسنده به سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) اشاره می کند و بیان می کند که در روش آنها برای آموزش احکام شرعی، چنین مسائلی (لزوم جزم به نیت) مطرح نبوده است، بلکه روش معمول در زمان آنها این

۳۱. بحر العلوم، مصابیح الأحکام، ۳۴۵/۱.

۳۲. کاشف الغطاء، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء، ۱۸.

۳۳. میرزای قمی، غنائم الأيام فی مسائل الحلال و الحرام، ۳۹۲/۴.

۳۴. نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۵۹/۶.

بوده که امتثال اوامر شرعی همانند امتثال اوامر عرفی در جامعه انجام شود.^{۳۵} میرزای نائینی در بحث «اختیارات ولایت فقیه در زمان غیبت» با استناد به سیره رسول خدا و امیرالمومنین به این نکته اشاره می‌کند که ولی فقیه می‌تواند اختیارات خود را به افراد دیگری نیز تفویض کند و آن افراد در محدوده تعیین شده، همانند خود ولی فقیه صاحب اختیار خواهند بود.^{۳۶} سید حسین بروجردی در بحث «جهر در نماز جمعه» به سیره رسول خدا استناد کرده و آن را دلیل بر وجوب جهر قرائت در نماز جمعه دانسته است.^{۳۷} سید محسن حکیم در بحث «لزوم رعایت اخفات در نماز ظهر و عصر» به سیره رسول خدا (ص) و ائمه (ع) استناد کرده و آن را به عنوان دلیل این حکم شرعی معرفی کرده است.^{۳۸}

۲-۳. قرن پانزدهم هجری

در ادامه روند رو به رشد بهره‌گیری فقهی از سیره معصوم، قرن پانزدهم هجری نیز شاهد تداوم رویکرد حداکثری بوده، شمار زیادی از فقهای شیعه به این منبع استنباط توجه نشان می‌دهند؛ چنان‌که سید محمدباقر صدر (۱۴۰۰ ق) در کتاب *اقتصادنا* سه مرتبه، سید احمد خوانساری (۱۴۰۵ ق) در کتاب *جامع المدارک* چهار مرتبه، شیخ مرتضی حائری یزدی (۱۴۰۶ ق) در کتاب *صلاة الجمعة* پنج مرتبه، میرزا هاشم آملی (۱۴۱۳ ق) در کتاب *المعالم المأثوره* چهار مرتبه و سید ابوالقاسم خویی (۱۴۱۳ ق) در شماری از آثار خود ۱۹ مرتبه به استفاده فقهی از سیره معصوم پرداخته‌اند.

برای نمونه، سید احمد خوانساری در بحث «اوصاف مستحقین زکات» به بررسی شرط عدالت می‌پردازد و بر پایه سیره معصوم به عدم لزوم آن رأی می‌دهد.^{۳۹} شیخ مرتضی حائری یزدی در بحث «تقدّم خطبه بر نماز جمعه» بر پایه سیره رسول خدا، به لزوم تقدّم خطبه بر نماز حکم می‌کند.^{۴۰} سید روح الله خمینی در حاشیه بحث از «شرط اختیار در بیع» با استناد به سیره معصوم به یک اصل مهم در فقه اسلامی اشاره دارد

۳۵. همدانی، مصباح الفقیه، ۱۷۵/۲.

۳۶. نائینی، مکاسب و البیع، ۳۳۴/۲.

۳۷. بروجردی، نهاية التقرير، ۱۷۷/۲.

۳۸. حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ۲۶۵/۶.

۳۹. خوانساری، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، ۷۷/۲.

۴۰. حائری یزدی، صلاة الجمعة، ۱۹۹.

که بر اساس آن، احکام امتنانی مانند اکراه، تقیه، ضرر و اضطرار تنها در مواردی قابل اعمال اند که با اصول و ارزش‌های بنیادین شریعت در تعارض نباشند^{۴۱} و بالاخره، سید ابوالقاسم خویی برای اثبات مشروعیت «به جماعت خواندن نماز میت» از سیره معصوم کمک گرفته و حکم به استحباب آن داده است.^{۴۲}

نتیجه‌گیری

(۱) استفاده فقهای شیعه از سیره معصوم به صورت محدود و گزینشی نبوده است، بلکه ایشان به گونه‌ای گسترده و فراگیر به بهره‌گیری از سیره معصوم پرداخته‌اند. نتیجه این رویکرد حداکثری، افزایش اعتبار سیره و نیز ارتقاء سطح کاربری آن از واژه‌ای دینی به اصطلاحی علمی است.

(۲) مقایسه بسامد دو واژه کلیدی «سیره» و «فعل» در متون فقهی شیعه نشان می‌دهد که روند استفاده فقها از آن‌ها به صورت معکوس دگرگون شده است؛ به این معنا که در آغاز، استناد فقها به سیره معصومان (ع) بیشتر بر پایه واژه «فعل» انجام می‌گرفت، اما به تدریج این واژه جای خود را به «سیره» داد؛ به گونه‌ای که هرچه از قرون نخستین عصر غیبت فاصله می‌گیریم، بسامد کاربرد واژه «فعل» در آثار فقهای شیعه کاهش می‌یابد و در مقابل، واژه «سیره» رواج بیشتری پیدا کرده، به یکی از اصطلاحات رایج در ادبیات فقهی شیعه تبدیل می‌شود.

۴۱. خمینی، کتاب البیع، ۳۸۷.

۴۲. خویی، موسوعة الإمام الخوئي، ۲۰۷/۹.

فهرست منابع

۱. ابن زهره، حمزه بن علی. غنية النزوع إلى علمي الأصول والفروع. قم: مؤسسة الامام الصادق. ۱۳۷۵ ش.
۲. ابن فارس، احمد. معجم مقاييس اللغة. قم: مكتبة الإعلام الإسلامی. ۱۴۰۴ ق.
۳. اردبیلی، احمد بن محمد. مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۰۳ ق.
۴. بحر العلوم، سيد مهدي. مصابيح الأحكام. قم: منشورات میثم التمار. ۱۴۲۷ ق.
۵. بروجردی، حسین. نهاية التقرير. قم: مركز فقه أئمة أطهار. ۱۴۲۸ ق.
۶. حائري یزدی، مرتضی. صلاة الجمعة. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۱۸ ق.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن. تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة. قم: مؤسسه آل البيت. ۱۴۰۹ ق.
۸. حکیم، سيد محسن. مستمسك العروة الوثقى. قم: مؤسسة دار التفسير. ۱۳۹۰ ق.
۹. حلبی، تقی بن نجم. الكافي في الفقه. اصفهان: كتابخانه عمومی امام اميرالمومنين(ع). بی تا.
۱۰. خمینی، روح الله. كتاب البيع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۴۲۱ ق.
۱۱. خوانساری، سيد احمد. جامع المدارك في شرح مختصر النافع. قم: مؤسسه اسماعیلیان. ۱۴۰۵ ق.
۱۲. خویی، سيد ابوالقاسم. القواعد الفقهية و الاجتهاد و التقليد. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامي. ۱۴۱۹ ق.
۱۳. موسوعة الإمام الخوئي. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئي. ۱۴۱۸ ق.
۱۴. راوندی، سعيد بن هبه الله. فقه القرآن. قم: كتابخانه عمومی حضرت آيت الله العظمی مرعشی نجفی. ۱۴۰۵ ق.
۱۵. سيد مرتضی، علی بن الحسين. جمل العلم و العمل. نجف اشرف: مطبعة الآداب. ۱۳۸۷ ش.
۱۶. شهيد اول، محمد بن مكي. الدروس الشرعية في الفقه الإمامية. قم: دفتر انتشارات اسلامي. ۱۴۱۷ ق.
۱۷. شهيد ثاني، زين الدين بن علی. الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية. قم: كتابفروشی داوری. ۱۴۱۰ ق.
۱۸. رسائل الشهيد الثاني (صلاة الجمعة). قم: نشرات دفتر تبليغات اسلامي. ۱۴۲۱ ق.
۱۹. مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامية. ۱۴۱۳ ق.
۲۰. شيخ طوسي، محمد بن حسن. الخلاف. تهران: مكتبة المرتضوية. ۱۳۸۷ ش.
۲۱. المبسوط في فقه الإمامية. تهران: مكتبة المرتضوية. ۱۳۸۷ ش.
۲۲. صدر، سيد محمد باقر. بحوث في شرح العروة الوثقى. قم: مجمع الشهيد آية الله الصدر العلمي. ۱۴۰۸ ق.
۲۳. عاملی، محمد بن علی. مدارك الأحكام في شرح شرائع الإسلام. مشهد: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث. ۱۴۲۹ ق.
۲۴. علامه حلي، حسن بن يوسف. تذكرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت. ۱۴۱۴ ق.
۲۵. منتهی المطلب في تحقيق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية. ۱۴۱۲ ق.
۲۶. فاضل آبي، حسن بن ابی طالب. كشف الرموز في شرح مختصر النافع. قم: مؤسسه النشر الإسلامی. ۱۴۰۸ ق.

۲۷. فیض کاشانی، محمد. مفاتیح الشرائع. تهران: مدرسه عالی شهید مطهری. ۱۳۹۵ ش.
۲۸. فیومی، احمد بن علی. مصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی. قم: مؤسسة دار الهجرة. ۱۴۱۴ ق.
۲۹. کاشف الغطاء، جعفر. کشف الغطاء عن مہمات الشريعة الغراء. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. ۱۴۲۲ ق.
۳۰. محدث بحرانی، یوسف بن احمد. الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: مؤسسة النشر الإسلامي. ۱۳۶۳ ش.
۳۱. محقق حلی، جعفر بن حسن. المعتبر فی شرح المختصر. قم: مؤسسه سید الشهداء. ۱۴۰۷ ق.
۳۲. _____ . شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان. ۱۴۰۸ ق.
۳۳. محقق سبزواری، محمدباقر. ذخيرة المعاد فی شرح الإرشاد. قم: مؤسسه آل البيت. بی تا.
۳۴. محقق کرکی، علی بن حسین. جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت. ۱۴۱۴ ق.
۳۵. مردانی گلستانی، مهدی. توسعه استنباط از فعل معصوم. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی. ۱۳۹۸ ش.
۳۶. میرزای قمی، ابوالقاسم. غنائم الأيام فی مسائل الحلال والحرام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. ۱۴۱۷ ق.
۳۷. نائینی، میرزا محمد. مکاسب و البیع. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۱۳ ق.
۳۸. نجفی، محمدحسن. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی. ۱۴۰۴ ق.
۳۹. همدانی، آقا رضا. مصباح الفقیه. قم: مؤسسة الجعفریة لإحياء التراث. ۱۴۱۶ ق.